



محمد حسین واحدی
نژوهشگر سیاسی

دونالد ترامپ، سیاستمداری غیرمتعارف و بزرگ‌ترین ریسک‌پذیر عرصه سیاسی ایالات متحده، بار دیگر به قدرت باگشته‌است. وی دارای شم سیاسی و اقتصادی بالایی است، به طوری که سیاست را از منظر یک تاجر و معامله‌گر تحلیل می‌کند. ترامپ، به عنوان یک سازنده املاک و سرمایه‌گذار، سیاست خارجی را نیز با منطق سود و زیان اقتصادی پیش می‌برد. طبق نظر تحلیلگران، او غیرقابل پیش‌بینی است و همواره خود را متمایز از سایر سیاستمداران آمریکایی نشان داده‌است. در دوره جدید ریاست جمهوری‌اش، روابط سنتی آمریکا با متحدان قدیمی همچنان تحت فشار قرار دارد. ترامپ در دوره اول، دوستی‌های دیرینه آمریکا با اروپا و کانادا را با اعمال تعرفه‌های سنگین کم‌رنگ کرد و اکنون در دوره دوم نیز سیاست‌های مشابهی را دنبال می‌کند. فشارهای اقتصادی او بر کانادا، در نهایت یکی از عوامل تأثیرگذار در کناره‌گیری جاستین تروود از نخست‌وزیری این کشور در ژانویه ۲۰۲۵ بود. صرف نظر از گرافه‌گویی‌ها، در این مقاله سه رکن اساسی سیاست خارجی ترامپ در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش بررسی می‌شود. ترامپ، که پیش از ورود به سیاست یک برج‌ساز و سرمایه‌گذار املاک بود، در سیاست خارجی نیز به دنبال تأمین منافع اقتصادی آمریکا است. او ملی‌گرایی اقتصادی را بر هرگونه تعهدات بین‌المللی ترجیح می‌دهد و حاضر است نظم لیبرال جهانی را برای کسب منافع آمریکا بر هم بزند. فرانسیس فوکویاما، اندیشمند مطرح، در مقاله‌ای در فارن افرز تأکید کرده که سیاست‌های ترامپ، نظم جهانی لیبرال را بیش از هر زمان دیگری تضعیف کرده است. در همین راستا، ترامپ در سال ۲۰۲۵ اعلام کرده است که کمک‌های مالی آمریکا به اوکراین را کاهش می‌دهد، زیرا از نظر او، این کمک‌ها هزینه‌ای غیرضروری برای مالیات دهندگان آمریکایی است. این تغییر موضع، رزنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، را در وضعیت دشواری قرار داده است. در عین حال، ترامپ به دنبال بهره‌برداری از منابع طبیعی اوکراین، به‌ویژه معادن و انرژی هسته‌ای این کشور است، تا به بهبود اقتصاد آمریکا کمک کند. در اقدامی دیگر، دولت ترامپ برنامه فروش ویزا و گرین‌کارت از طریق سرمایه‌گذاری را احیا کرده‌است. طبق گزارش رویترز، این برنامه به سرمایه‌گذاران خارجی امکان می‌دهد با پرداخت ۵ میلیون دلار، اقامت دائم آمریکا را دریافت کنند. ترامپ، که یک تاجر حرفه‌ای است، سیاست‌های اقتصادی خود را با هدف حداکثرسازی منافع آمریکا تنظیم کرده‌است. در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش، او همچنان با بستن تعرفه‌های سنگین بر واردات از اروپا، کانادا و چین، به دنبال حمایت از تولید داخلی است. با این حال، برخلاف دکتربین مونروئه که بر انزواگرایی تأکید داشت، ترامپ از سیاست‌های حمایتی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز استفاده می‌کند. او با کاهش مالیات شرکت‌های آمریکایی، کسب‌وکارها را تشویق به بازگشت به خاک ایالات متحده کرده‌است. این سیاست، که در دوره اول نیز اجرا شد، منجر به افزایش تولید داخلی و کاهش نرخ بیکاری شد. اما هم‌زمان بدهی ملی آمریکا را افزایش داد. در سال ۲۰۲۵، ترامپ اعلام کرده است که تمامی کالاهای وارداتی به آمریکا مشمول تعرفه ۱۰ درصدی خواهند شد. این اقدام، که واکنش تلافی‌جویانه شرکای تجاری آمریکا را به دنبال داشته، می‌تواند در بلندمدت باعث کاهش رقابت‌پذیری اقتصاد آمریکا شود. حضور چهره‌های مطرح دنیای تجارت مانند ایلان ماسک، جف بزوس و ماکر زاکربرگ در مراسم تحلیف ترامپ، نشانه‌ای از نزدیکی او به صاحبان صنایع بزرگ آمریکاست. این ارتباط، نقش مهمی در تدوین سیاست‌های اقتصادی او دارد. ترامپ در سیاست خارجی خود، از روش ارباب برای تأمین اهدافش استفاده می‌کند. این رویکرد، هم در عرصه نظامی و هم در حوزه اقتصادی قابل مشاهده است. در نخستین ماه‌های دوره دوم ریاست جمهوری‌اش، ترامپ حماس را تهدید کرد که اگر گروهان‌ها را آزاد نکند، حملات آمریکا به غزه تشدید خواهد شد. او همچنین به دولت پاناما هشدار داد که در صورت عدم کاهش روابط اقتصادی با چین، واشنگتن گزینه‌های مختلفی را بررسی خواهد کرد. در مورد ایران، ترامپ در مارس ۲۰۲۵ نامه‌ای به رهبر ایران ارسال کرد و خواستار توافق هسته‌ای جدید طرف دو ماه شد. او تهدید کرده‌است که در صورت عدم توافق، از گزینه‌های دیگر استفاده خواهد کرد. در حوزه سیاست‌های نظامی، ترامپ اقدامات تسلیحات به اسرائیل را که در دوره بایدن متوقف شده بود، از سر گرفته‌است. او همچنین طرح جدیدی را برای حل بحران غزه مطرح کرده‌است که با نام «ریویور» شناخته می‌شود. این طرح، که ترکیبی از توسعه اقتصادی و فشار نظامی است، در حال حاضر با مخالفت شدید گروه‌های فلسطینی روبه‌رو شده‌است.

خبر

نایب‌رئیس مجلس:

تحقق صلح و ثبات در منطقه

نیازمند تلاش همه کشورها است

نایب‌رئیس مجلس صبح دیروز چهارشنبه در حاشیه یکصد و پنجاهمین اتحادیه بین مجالس جهانی در شهر تاشکند ازبکستان با حمدهٔ بنت حسن السلیطی نایب‌رئیس مجلس قطر دیدار و گفت‌وگو کرد. حمیدرضا حاجی بابایی در این دیدار با اشاره به روابط دیرینه و گسترده ایران و قطر، گفت: باید از تمام ظرفیت‌های دولت و مجلس دو کشور برای گسترش روابط دو جانبه استفاده کرد. نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه آمریکا صدای جنگ را از خود جنگ بیشتر دوست دارد، گفت: احتمال بروز جنگ بسیار کم است، از طرفی در شرایط کنونی مذاکرات هسته‌ای به صورت غیر مستقیم در جریان است. به دلیل آنکه به آمریکا اعتماد نداریم اعلام کرده‌ایم که مذاکرات نباید مستقیم باشد. وی ادامه داد: یکی از اهداف مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا این بوده که بهانه‌را از آنها بگیریم از طرفی شاهدیم که تمام دولت‌های منطقه و کشورهای دیگر دنیا در تالشند تا جنگی رخ ندهد، همگان باید بدانند که بروز جنگ به اقتصاد دنیا و منطقه آسیب‌های جدی وارد می‌کند. حاجی بابایی تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران همواره به دنبال صلح و ثبات در منطقه بوده‌است اما تحقق صلح و ثبات در منطقه در شرایط کنونی نیازمند تلاش همه کشورهاست.

زهرانژادبهرام در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مذاکره با آمریکا مطالبه مردم است



پزشکیان با به نتیجه رساندن مذاکرات می‌تواند

سیگنال مثبتی به اقتصاد بدهد

آغاز مذاکرات مردم را نسبت به آینده کشور

امیدوار کرده است

آرمان ملی - احسان انصاری: ایران و آمریکا قرار است روز شنبه گفت‌وگوی غیرمستقیم را آغاز کنند. مذاکره‌ای که در صورت رسیدن به نتیجه ملموس می‌تواند شکل مستقیم به خود بگیرد. در چنین شرایطی آغاز مذاکرات سیگنال مثبتی به بازار سرمایه در ایران داده و از سوی دیگر واکنش جامعه نیز نسبت به این اتفاق مثبت بوده است. با این وجود همچنان این سوال وجود دارد که در حالت خوشبینانه در صورت به نتیجه رسیدن مذاکرات چه اتفاقاتی رخ می‌دهد و در حالت بدبینانه به نتیجه نرسیدن مذاکرات می‌تواند چه پیامدهایی برای کشور داشته باشد؟ «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با دکتر زهرانژادبهرام عضو سابق شورای شهر تهران و فعال سیاسی اصلاح طلب گفت‌وگو کرده است. نژادبهرام معتقد است: «من معتقدم باید خوشبین بود. همین که ایران به این نتیجه رسیده که از طریق میز مذاکره نتیجه بهتری کسب خواهد کرد اتفاق مبارکی است. با این وجود مشکلات ما



با آمریکا در چهار دهه گذشته همواره وجود داشته و اینکه ما انتظار داشته باشیم مشکلات بین دو کشور در یک دور و یا چند دور مذاکره به نتیجه برسد صحیح نیست. دسته‌بندی کردن مشکلات این شرایط را برای مذاکره کنندگان ما ایجاد می‌کند که در مورد موضوعات مختلف مذاکره صورت بگیرد. در چنین شرایطی هیچ مسأله‌ای نباید مانع از تحقق مسأله دیگری شود. اگر ما در یک مورد به نتیجه نرسیدیم به این معنا نیست که در همه موارد به نتیجه نخواهیم رسید و این احتمال وجود دارد که در یک موضوع دیگر به نتیجه دلخواه دست پیدا کنیم. قرار نیست همه مشکلات ایران و آمریکا به یک باره حل شود. اینکه ایران به سمت جنگ حرکت نکنند نشانه ترس نیست و بلکه نشانه عقلانیت است. این عقلانیت به خوبی نشان می‌دهد که جنگ به هر شکلیش که باشد باز هم خسارت است.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اگر مذاکرات به نتیجه مثبت برسد چه تأثیری بر روند دولت چهاردهم و پایگاه اجتماعی دولت خواهد گذاشت؟

آقای پزشکیان در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری به دو موضوع تأکید داشتند. نخست کاهش تنش ایران در عرصه بین‌المللی و تعامل سازنده با جهان و دوم حل مشکلات اقتصادی کشور. واقعیت این است که این دو مشکل به صورت تنگاتنگ با هم ارتباط دارد و نمی‌توان شرایطی را متصور شد که وضعیت اقتصادی کشور بدون حل مشکلات مربوط به سیاست خارجی حل شود. بدون تردید اگر ما با کشورهای منطقه و جهان ارتباط نداشته باشیم امکان اینکه بتوانیم از ظرفیت‌های اقتصادی خود استفاده کنیم وجود نخواهد داشت. از زمانی که کشور با تحریم‌های بین‌المللی مواجه بوده ما با سختی‌ها و دشواری‌های متعددی مواجه بوده‌ایم و به همین دلیل نتوانسته‌ایم از ظرفیت‌های بزرگی که در اقتصاد کشور وجود داشت به شکل موثر استفاده کنیم، به همین دلیل نیز بخش مهمی از درآمد‌های کشور در رفت و آمد‌های با واسطه از میان رفته است. به همین دلیل نیز اگر آقای پزشکیان بتواند با تصمیمی که حاکمیت درباره مذاکرات گرفته تحریم‌های بین‌المللی را علیه ایران لغو کند سیگنال مثبت و مهمی به اقتصاد کشور داشته که می‌تواند به حل مشکلات کشور کمک کند.

با اعلام آغاز مذاکرات بین ایران و آمریکا جامعه واکنش مثبتی از خود نشان داد. این وضعیت به چه میزان می‌تواند مردم را نسبت به حل مشکلات کشور امیدوار کند؟

هنگامی که مردم مشاهده کنند مجموعه حاکمیت و دولت به این نتیجه رسیده‌اند که از طریق دیپلماسی می‌توان مشکلات کشور را حل کرد و سایه جنگ از سر کشور برداشته می‌شود، قطعاً سیگنال‌های مثبتی است که به جامعه داده می‌شود. در چنین شرایطی جامعه چشم‌انداز روشنی پیش روی خود می‌بیند. در شرایط کنونی جامعه ایران با چالش و بحران‌های مهمی از جمله مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مواجه است. با این وجود مردم ایران امید دارند و هستند و اگر چنین نشانه‌های مثبتی را مشاهده کنند دست حاکمیت را خواهند گرفت تا شرایط برای حل مشکلات تسهیل شود. بدون تردید اگر این شرایط به وجود نیاید ما نه تنها نمی‌توانیم ابهام را از آینده برداریم و بلکه این احتمال وجود دارد که حتی در داخل کشور نیز شرایط تغییر کند و مطالبه‌گری مردم شکل جدی‌تری به خود بگیرد. خشکسالی و بحران آب و بحران ناترازی در کشور که در سال‌های گذشته به وجود آمده، شکل پیچیده‌ای به خود گرفته و ممکن است در سال جاری شرایط سختی را برای مردم به وجود بیاورد. به همین دلیل من آغاز مذاکرات بین ایران و آمریکا را گام اول حل مشکلات کشور می‌دانم و معتقدم با نتیجه بخش بودن مذاکرات می‌توانیم به صورت گام به گام مشکلات را رفع کنیم و مردم را نسبت به زندگی بهتر امیدوار کنیم.

اظهارنظر کند. پاسخ من به آنان این است که اولاً این دستورالعمل، خطاب به نهاد‌های داخلی آمریکا بوده و پیش شرط مذاکره تلقی نمی‌شود. ثانیاً این بخشی از نقشه راه فشار حداکتری آمریکاست. اگر ما بگوییم چون ترامپ چنین دستورالعملی را صادر کرده یا قصد فشار حداکتری دارد پس نباید مذاکره کنیم، در سیاستی اشتباه وارد شده‌ایم. این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی بیان کرد: ما باید خواسته‌های خود را با صراحت مطرح کنیم و در برابر فشار حداکتری باید دیپلماسی مقاومت را پیش بگیریم. ترک میز مذاکره درست نیست؛ بلکه باید مدیریت آن را به دست بگیریم و در عین حال، روی مقابله با فشار حداکتری نیز مانور دهیم.

حسن بهشتی پور:

به جای ترک میز مذاکره باید آن را مدیریت کنیم

اجرای صادر کرده‌است؛ در صورتی که در آن بندهایی خطاب به مسئولان آمریکایی آمده است. این دستورالعمل، پیش شرط مذاکره نیست و این طور نیست که اگر ایران آن‌ها را نپذیرد، مذاکره بی‌نتیجه خواهد ماند. کشور را محقق سازند. حسن بهشتی پور گفت: برخی سخنانی که مطرح می‌شود، نوعی پیش داوری است؛ از جمله اینکه چرا نباید با ترامپ گفت‌وگو کرد. استناد مخالفان مذاکره این است که ترامپ دستورالعمل

است که طرفین با مواضع یکدیگر آشنا شوند. مسئله، اعتماد به طرف آمریکایی نیست، بلکه اعتماد به آقای عراقچی و تیم مذاکره‌کننده خودمان است تا بتوانند اهداف کشور را محقق سازند. حسن بهشتی پور گفت: برخی سخنانی که مطرح می‌شود، نوعی پیش داوری است؛ از جمله اینکه چرا نباید با ترامپ گفت‌وگو کرد. استناد مخالفان مذاکره این است که ترامپ دستورالعمل

تلنگر

مذاکره ایران و آمریکا

گزینه‌های پیش رو

دوشنبه شب و در شرایطی که شاید کمتر کسی منتظر اظهارات ترامپ درباره ایران بود، اما او ناگاه نه فقط بنیامین نتانیاهو که به نظر می‌رسد همه جهانیان و از جمله طرف ایرانی را شگفت زده کرد و بار دیگر نشان داد این برنامه‌ساز پیشین تلویزیونی و برگزارکننده مسابقات دختران شایسته، کارکرد رسانه و اطلاع‌رسانی را به خوبی می‌داند. ترامپ در شرایطی برای بار دوم با اطلاع‌رسانی بی‌پروا تلاش کرد خود را در موقعیت بالاتر قرار دهد که بار اول با دادن خبر ارسال نامه حتی پیش از رسیدنش به ایران نشان داده بود هم می‌داند چطور باید سوار بر موج گردش آزاد اطلاعات شود و هم در بار دوم نشان داد هم چنان می‌خواهد کنشگر اصلی باشد و طرف مقابل را وادار به واکنش کند. این رئیس‌جمهور پرحاشیه مستقر در واشنگتن، اما در حاشیه دیدار با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در گفت‌وگو با خبرنگاران مدعی شده که مذاکرات مستقیم با ایران در حال برگزاری است. دونالد ترامپ گفت: «ما در حال انجام گفت‌وگوهای مستقیم با ایران هستیم که برای روز شنبه برنامه‌ریزی شده‌است. خواهیم دید چه اتفاقی می‌افتد.» او گفت که روز شنبه یک نشست بزرگ با ایرانی‌ها و دیدار مستقیم با آنها برگزار خواهد شد. ممکن است با ایران توافق شود و این عالی خواهد بود. به گفته ترامپ، مذاکرات مستقیم با ایران در بالاترین سطوح در حال انجام است.

◀ **پیام‌های چندگانه ترامپ**

ترامپ در شرایط این سخنان را بیان می‌کرد که تقریباً برای ۱۵ دقیقه نتانیاهو را نیز در حیرت و سکوت فرو برده بود و نخست‌وزیر اسرائیل که این روزها از همیشه در منظر جهانی منفورتر است شاید انتظار هر سخنانی را داشت و امیدوار بود بتواند ترامپ را در موضع تهدید نظامی نسبت به ایران قرار بدهد، اما در نهایت این رئیس‌جمهور آمریکابود که به‌وضوح به نتانیاهو خبرداد در شرایط گفت‌وگو و مذاکره با ایران است و بهتر است او فعلا دست از پا خطا نکند. اما صبح روز ۱۹ فرودین و تنها چند ساعت پس از سخنان جنجالی ترامپ بود که وزیر خارجه ایران که تا همین چند روز پیش می‌گفت هنوز زمانی برای مذاکره با آمریکا در کار نیست، وارد گود شد و در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که مذاکرات غیرمستقیم آغاز شده و روز شنبه نیز او و ویتکاف از دو کشور در عمان برای مذاکره حاضر خواهند بود. خبری که دیگر پس از جنجال‌های شب گذشته ترامپ چندان عجیب نبود و اساساً گزینه‌ای جز تأیید نیز باقی نماند. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران صبح روز سه‌شنبه ۱۹ فروردین (۸ آوریل) در شبکه اکس (توییتر سابق) در پیامی کوتاه خبر داد که بین ایران و آمریکا روز شنبه ۲۳ فروردین در عمان مذاکراتی غیرمستقیم در سطح بالا انجام خواهد گرفت. عراقچی همچنین گفته است: «این دیدار هم‌زمان یک فرصت و یک آزمون محسوب می‌شود. اکنون توپ در زمین ایالات متحده است». وزیر خارجه ایران در نوشته خود بار دیگر تأکید کرده است که این دیدار غیرمستقیم برگزار می‌شود در حالی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا صراحتاً گفته است که این دیدار در سطحی بالا و مستقیم انجام خواهد گرفت. اظهارات عراقچی نخستین واکنش مقامات رسمی جمهوری اسلامی به خبر مذاکره ایران و آمریکا محسوب می‌شد، اما عجیب نبود که برخی شروع به تحلیل شرایط پیش‌رو کنند.

◀ **نتانیاهو و تکرار توهمات**

در این بین، اما بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در این دیدار و تنها چند دقیقه پیش از اظهارات رئیس‌جمهوری آمریکا مذاکره مستقیم با جمهوری اسلامی ایران، ضمن ابراز حمایتی محتاطانه از چنین مذاکراتی و با اشاره به اقدام سال ۲۰۰۳ ممر قذافی، رهبر پیشین لیبی، در تعطیلی یک برنامه هسته‌ای ایران گفت: «من و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، هر دو در این هدف متحد هستیم که ایران به سلاح هسته‌ای دست نیابد. اگر این هدف از طریق دیپلماتیک و به‌طور کامل محقق شود، همان‌طور که در لیبی انجام شد، به نظر من اتفاق خوبی خواهد بود.» نتانیاهو تلاش کرد به نوعی هم خود را موافق نشان دهد و هم شاید ایرانیان منتقد مذاکره را تحریک کند. او اما با سیطنت سعی کرده ماچارا شکست نشان دهد و گفته: «اگر بتوانیم توافقی با ایران داشته باشیم همانند لیبی، این یک توافق خوب خواهد بود.» به گزارش اقتصاد ۲۴، تسنیم در مقاله‌ای این اظهارات نتانیاهو را «تکرار توهمات» توصیف کرد.

◀ **بازی یا تله‌ای سیاسی؟**

موضوع شبیه‌سازی ری‌بیط نتانیاهو بابلیی و تلاش او برای تحریک تندروها در ایران، اما اولین نمونه از سوی تندروهای اسرائیلی و آمریکایی نبوده است و پیش از این نیز تمام کاتن» از سناتورهای تندروی جمهوریخواه نیز در این باره سخن گفته بود. سخنان کاتن درباره تمایل دونالد ترامپ برای استفاده از «مدل لیبی» در مذاکرات با ایران، موجی از واکنش‌ها را در محافل سیاسی و امنیتی به دنبال داشت و بسیاری از تحلیلگران معتقد بودند که اشاره به این مدل، بیش از آن که راهکاری دیپلماتیک تلقی شود، به‌مثابه زنگ خطری تلقی شده که در حافظه تاریخی مسئولان جمهوری اسلامی به‌وضوح طنین‌انداخت.